بررسی تحلیلی فیلم‌های سینمایی جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر

تنوع در ژانر درخشش نسل جدید

محمدرضا کردلو: پس از پایان سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر و اعلام برندگان سیمرغ در بخش‌های مختلف، حالا بهتر می‌توان نگاهی کلی به این دوره از جشنواره داشت؛ جشنواره‌ای که به‌رغم کاستی‌های فراوان، بارقه‌هایی از امید به سینمای نسل نو را به همراه دارد. سینمایی دغدغه‌مند در حوزه تاریخ و سیاست که از بخش‌های جدی برای سرمایه‌گذاری سینمایی است. این اتفاق در جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر، با فیلم‌هایی نظیر «ماجرای نیمروز۲: رد‌خون» و «شبی که ماه کامل شد» به شکلی کاملا حرفه‌ای و نیز در فیلم‌های «غلامرضاتختی» و «۲۳ نفر» در قالبی تاثیرگذار، رخ داد.

جشنواره سی‌وهفتم اما فیلم‌های پرسروصدای دیگری نیز داشت؛ رضا رهنامیان که دست روی سوژه‌ای ملتهب گذاشته، «مترو شیش و نیم» سعید روستایی که در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر با «بد و یک روز» شناخته شد و «سرخپوست» نیما جاویدی که ایده‌ای قابل اعتنا دارد در اجرای ژانر معمایی موفق بوده است. به غیر از اسامی‌ای که پرده شد، دیگر فیلم‌های جشنواره عموما نتوانستند مخاطب را با خود همراه کنند و نظرات پیرامون آنها ضدونقیض است. برخی با معیار قرار دادن فرم و بی‌توجهی به قصه، طرفدار تعدادی از فیلم‌ها شده‌اند و برخی دیگر که قصه برای‌شان مهم‌تر است، امتیازهای کمی به سینمای فرم داده‌اند.

در گفت‌وگوهای رسانه‌ای درباره جشنواره سی‌وهفتم این موضوع مطرح می‌شد که این جشنواره از چند منظر حائز اهمیت است؛ اول اینکه فیلم‌های سوژه‌محور و پر سر و صدایی مانند آقای مخدرحسین مهدویان، ترکس آبیار، بهرام توکلی و سعید روستایی در آن حضور دارند، دوم اینکه کارگردانان شاخص سال‌های نسبتا دور سینمای ایران از رسول صدرعاملی، کیومرث پوراحمد و محمدرضا هنرمند گرفته تا اسامی قابل توجهی مانند رضا میرکریمی، فریدون جیرانی و پرویز شهبازی با کارهای تازه‌ای به این جشنواره آمده‌اند و دلیل سوم اینکه کارگردانان جوانی وارد عرصه جشنواره شده‌اند که می‌توان روی آنها حساب ویژه‌ای باز کرد. در این بین برخلاف مورد اول که یک موفقیت و اهمیت قابل پیش‌بینی برای جشنواره بود، حضور کارگردانان صاحبنام و ورود فیلمسازان جوان، چیزی به جشنواره اضافه نکرد که هیچ، آن را بشدت از تب و تاب انداخت.

حضور کارگردانان کار اولی، اگرچه به عنوان تثبیت حضور در جشنواره فیلم فجر، یک موفقیت به حساب می‌آید اما ابدا حضور خیره‌کننده‌ای به معنایی که سعید روستایی و محمدحسین مهدویان در جشنواره سی‌وچهارم خودی نشان دادند، نبود. تله‌هایی که حتی در قدوقواره جشنواره فیلم فجر نیستند و در این بین «سرخپوست» فقط نمایی شلوغ از تکنیک بود و کارهای دیگر نگاه تو مهم نبودند.

کارگردانان چهره جشنواره سی‌وهفتم نیز نه‌تنها در حد نام خود نبودند، بلکه برخی مانند کیومرث پوراحمد با ساخت «تنبع و ترمه» پایان رسمی فیلمسازی خود را روی پرده و با نمایش یک فیلم بد، اعلام کردند. این اتفاق البته به دلیل مشخصی رخ داد.

کیفیت فیلم‌های حاضر در جشنواره سی‌وهفتم این سوال را در میان اصحاب رسانه به وجود آورده است که اگر فیلم‌های انتخاب شده، اینهایی هستند که در جشنواره سی‌وهفتم به نمایش درآمدند، پس فیلم‌های انتخاب نشده دارای چه وضعیت کیفی هستند؟

اتفاقی که در فروش سال ۹۶ سیمنما رخ داد؛ به نحوی بود که عمده فیلم‌هایی که در وینرین جشنواره سی‌وپنجم به دبیری محمد حیدری در دوران معاونت سینمایی حجت‌الله ایوبی قرار گرفته بودند، با شکست جدی در گیشه مواجه شدند. در دوران حجت‌الله ایوبی، اعطای رانت به برخی سینماگران و تلاش برای راضی نگه داشتن همه عناصر سینما، موجب شده بود اهالی رسانه فیلم‌هایی بسیار عقب‌تر از قد و قواره یک جشنواره ملی را روی پرده ببینند. آنها پیش‌بینی می‌کردند فروش فیلم‌های جشنواره سی‌وپنجم در سال ۹۶ بسیار کم خواهد بود که این اتفاق هم افتاد.

یک ویژگی، جشنواره سی‌وششم را متمایز از جشنواره‌های پیشین کرده بود و تن آنکا گذاشتن محافظه‌کاری و رانت ندادن به فیلم‌های ضعیف بود. برعکس این اتفاق اما در جشنواره سی‌وهفتم رخ داد. محافظه‌کاری و تکرار فرآیندی که ایوبی در سینما طی کرد، باعث شد تعداد زیادی از فیلم‌های حاضر در جشنواره از کیفیت پایینی برخوردار باشند. اشتباهی که در نتیجه راضی نگه داشتن همه فیلمسازان، رانت دادن به کارگردانان باسابقه و البته خسته و بی‌توجهی و بی‌دقتی درباره کیفیت آثار ارسال شده به دبیرخانه جشنواره باعث شد تعداد فیلم‌هایی که قابلیت پیشنهاد شدن دارند، بشدت کاهش یابد.

با این همه اما جشنواره سی‌وهفتم به خاطر ظهور و بروز نگاه‌هایی سینمایی و جدید به وقایع و چهره‌های مهم، از جشنواره‌های پیشین متمایز بود و باید این موضوع را نقطه قوت سینمای ایران در جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر تلقی کرد.

یکی از موضوعات مهم دیگر در جشنواره سی‌وهفتم، تنوع ژانر بود. نکته‌ای که در بیانیه پایانی هیات داوران نیز به آن اشاره شده بود. جشنواره‌ای که گذشت، در تنوع ژانر، ویژه بود. فیلم‌های خاص «ماجرای نیمروز۲: رد‌خون» و «شبی که ماه کامل شد» که در ژانر مستقل سیاسی ساخته شدند، فیلم دفاع مقدسی «۲۳ نفر» که در نوع خود حائز اهمیت بود، فیلم اجتماعی- پلیسی «متری شیش و نیم» و معمایی «سرخپوست»، فیلم‌های ورزشی «سوتامی» و «معکوس» و فیلم سوررئال «مسخرباز»، فیلم‌های کمدی- اجتماعی و فلسفی «زهرمار» و «پالتو شتری» و فیلم‌های دیگر در ژانرهای متنوع شاهدی بر این مدعاست که جشنواره سی‌وهفتم متمایز از جشنواره‌های پیشین بود. نکته مهم‌تر این است که این تنوع ژانر را عمدتا نسل جدید سینما رقم زده‌اند.

در کنار این موضوع البته نقد جدی به جشنواره سی‌وهفتم، محدوده موضوعی و محتوایی تعداد زیادی از فیلم‌هاست. تکرار تم خیانت و قصاص بخشی از فیلم‌های جشنواره را تشکیل می‌داد.

در این شماره تلاش کرده‌ایم از منظر ژانر، سوژه، ارتباط مستقیم مضمونی با مسائل سیاسی و اجتماعی، تصویر اجتماع، تصویر خانواده، قهرمان، داستانگویی، اختلاف طبقاتی و پرداختن به طلاق و خشونت، آثار حاضر در جشنواره سی‌وهفتم را دسته‌بندی کنیم.
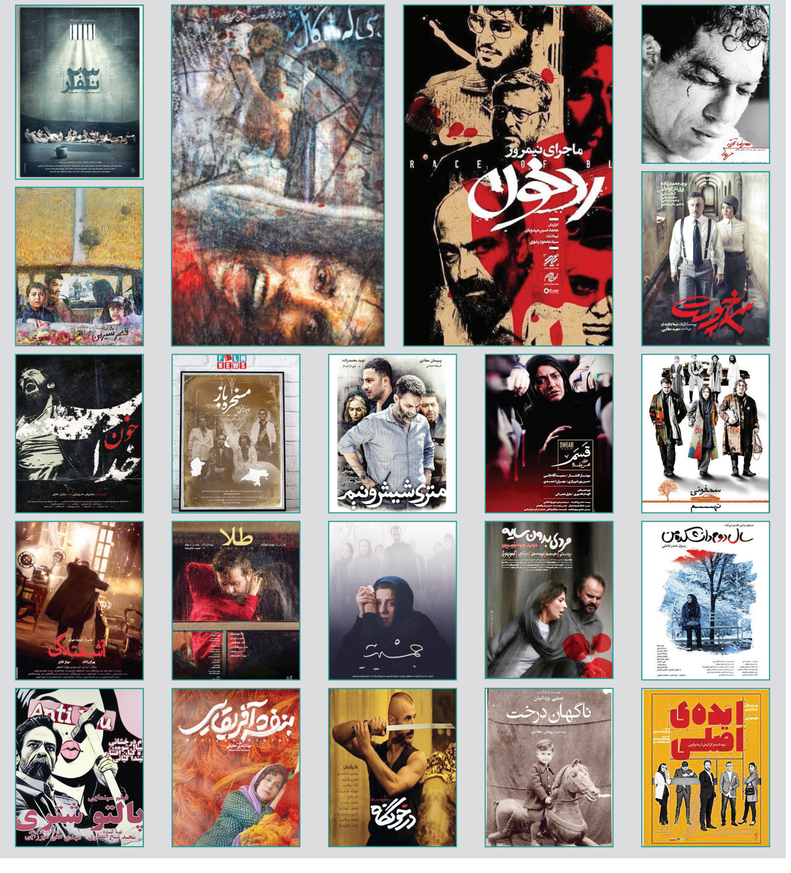
فیلم	سوژه	ژانر	ارتباط با مسائل خاص سیاسی و اجتماعی	تصویر اجتماع	تصویر خانواده (مرد، زن/ پدر، مادر)	طلاق	داستانگویی	اختلاف طبقاتی	قهرمان	خشونت (کلامی یا فیزیکی)
آتشفتگی (فریدون جیرانی)	جنایت	نوآر جنایی	×	×	از هم پاشیده	✓	ریتم کند قصه‌گویی و عدم شخصیت‌پردازی درست باعث شده حتی نمایش درست سیر تحول شخصیت منزوی و درونگرای قصه نیز دیده نشود. قاب کج برای مخاطب عام ضدقصه است. این قاب البته نشانی از آشفتگی در فیلم است	✓	×	✓
ایده اصلی (آرتئاموگویی)	رقابت اقتصادی و آقازادگی	اجتماعی	اشاره به آقازادگی و زد و بندهای سیاسی	کلک‌باز و کلاهبردار	ازهم‌گسیخته	✓	متوسط رو به پایین (روایت چهارگانه ناموفق). روایت کلاهبرداری بسیار ساده‌انگارانه و بدون کشش است و تلاش کارگردان این است که خلأ قصه را با نماهای جذاب پر کند	×	✓	✓
بنفشه آفریقایی (موازندی حقیقی)	مثلث عاطفی	ملودرام خانوادگی	×	×	تهی از معنای خانواده	✓	قرار است قصه زنی (شکو) را تعریف کند که از همسر سابقش جدا شده و با مرد دیگری ازدواج کرده است. از جایی که فیلم را می‌بینیم زن نگران وضعیت همسر سابقش است و قرار است از او نگهداری کند. منطق این نگرانی چیست و چرا هر وقت قرار است درباره منطق این عمل زن سوال شود، سوژه‌های طنز جدی می‌شود؟	×	×	×
۲۳ نفر (مهدی جعفری)	اسارت و آزادگی	دفاع مقدس	مساله اسارت	مقاوم و متحد	دوست داشتنی و قابل اتکا	×	موفق در اقتباس از داستانی واقعی، همراه با درگیری‌های درونی و نوع مواجهه با چالش‌های بیرونی	✓	✓	×
پالتوشتری (مهدی‌علی‌میرزایی)	هجوفلسفی‌اجتماعی	کمدی‌اجتماعی	هجو روشنفکری	سطحی و خرافی	سطحی و خرافی	✓	به خاطر عدم کشش داستان، از راوی بهره می‌گیرد که کمکی به پیشرفت قصه نمی‌کند	×	✓	✓
تبخ و ترمه (کیومرث پوراحمد)	خیانت	اجتماعی	خیانت	هوسباز و بی‌اخلاق	خائن و غیرقابل اعتماد	×	روایت تا حدی مشکل دارد که برای پیش رفتن قصه، یک کلیپ با صدای رضا یزدانی به علاوه یک خیانت در مراحلی از فیلم چاشنی می‌شود تا به ادامه قصه کمک کند	×	×	✓
جمشیدیه (بلدا جبلی)	قصاص	اجتماعی	نقد فضای اخلاقی جامعه	فحاش و بی‌اخلاق	منسجم و منکی به اعضا	×	داستانگویی متوسط است و از جایی به بعد قصه رها می‌شود و به ورطه شعارزدگی می‌افتد. از جایی به بعد خود موضوع فیلم و همچنین بازی خوب بازیگر تقش پلیس مواد مخدر (معادی) و سرعت بنای قصه به هم می‌ریزد	×	×	✓
خون خدا (مرتضی علی عباس میرزایی)	نسبت ماه محرم و مساله اعتیاد	مذهبی	ریاکاری	ریاکار و دورو	فداکار و ایثارگر	×	فرم‌بازی افراطی ضدقصه و علیه مخاطب است. داستانی روایت نمی‌شود و همه چیز معلق است. معلق میان دوسکانس؛ سکانس ابتدایی و سکانس فینال	✓	✓	✓
درخونگاه (سیاوش اسعدی)	خیانت خانوادگی	اجتماعی	ضد دفاع مقدس	اغراق شده، بزهکار، درگیر و دار افراط و تفریط	خائن، ضعیف و فروپاشیده	×	فیلم یک پیرنگ اصلی دارد و دیگر هیچ و بر است از سکانس‌های بی‌ربط و روایت‌های تحریف شده و دروغین	×	✓	✓
سال دوم دانشکده من (رسول صدرعاملی)	عشق به سبک نسل جدید	ملودرام	×	منفعل و بی‌کارکرد و مستعد خیانت	اغراق شده و بی‌کارکرد	×	به جهت گنگ بودن قصه محوری، از داستانگویی مناسب عاجز است. ماجرای فیلم، ماجرای امروز است و به همین جهت لازم است که مقتضیات زمانه در روایت و داستان لحاظ شود اما این اتفاق نمی‌افتد، چرا که زبان فیلم زبان امروز نیست	×	×	✓
سرخپوست (نیما جاویدی)	فرار از زندان	معمایی	×	×	دلواپس و نگران	×	فیلمنامه کم‌نقص است. قصه از همان جایی که باید شروع شود، شروع می‌شود و با رعایت ظرافت‌های ژانر معمایی، تعلیق‌هایی که در فیلمنامه درست جاگذاری شده، قصه را پر کشش می‌کند. پایان‌بندی اما سر به آفاق می‌افتد و به قصه لطمه می‌زند. چالش اخلاق - قانون به سرعت مسیر تصمیم‌گیری و انتخاب مسؤول زندان را طی می‌کند	×	✓	×
سمفونی‌نهم (محمدرضا هنرمند)	تراژدی مرگ	فانتزی	×	×	اشاره خاصی به خانواده ندارد	×	داستانگویی در فلش‌یک‌هایی که می‌بینیم قابل اعتنناست که البته بیشتر از فیلمنامه مدیون مستند به تاریخ بودن وقایع است	×	✓	✓
شبی که ماه کامل شد (ترکس آبیار)	گروهک‌های تروریستی (عبدالمالک و عبدالحمید ریگی)	اکشن - تراژدی	تصویری از جریان تکفیری در شرق کشور	منفعل در مواجهه با تروریست‌ها (جامعه پاکستان)	در چالش با عشق و تکفیر، منفعل و حداقل گرا	×	قصه آنقدر جذاب است که مخاطب، ناخود‌آگاه، «آگاهی»اش را نسبت به همه واقعیت‌هایی که می‌داند، از دست می‌دهد و مسحور فیلم می‌شود. در نهایت فیلم تفاوتی با واقعیتی که مخاطب می‌داند ندارد. نتیجه و برداشت نهایی از فیلم، با واقعیت یکی است و همین تفکیک ظریف میان قصه و واقعیت و وحدت نهایی میان این دو، از مولفه‌های قدرت فیلم‌ساز است	✓	✓	✓
طلا (پرویز شهبازی)	بیکاری جوانان و چالش‌های آن	اجتماعی	مساله بیکاری و نوسانات ارزی و مهاجرت	در چالش با بیکاری، رباخوار اختلاسگر، غیرقابل اعتماد و...	از هم گسیخته و فروپاشیده	✓	ریتم غیرمتقطعی است. «پدربزرگ» در ابتدا طوری معرفی می‌شود که ما در ادامه باور نمی‌کنیم پدر ماجرای ۴۰۰هزار دلار را به او گفته باشد. منطق جلب شدن توجه پلیس به رضا و منصور برای پیدا کردن دلارها چیست؟ و سوالات دیگری که برای مخاطب بی‌پاسخ می‌ماند	✓	×	✓
غلامرضا تختی (بهرام توکلی)	زندگی و مرگ غلامرضا تختی	بیوگرافی (داکیودرام)	استبداد رژیم پهلوی و همراهی تختی با آیت‌الله طالقانی و مصدق، زلزله بوئین زهرا و ...	استبدادزده و فرامرزکار	معمولی (همراه با نمایش مادری فداکار و مهربان)	×	مانند فیلم پیشین این کارگردان، «پلات» ندارد و به همین دلیل اگر جذابیت‌های سوژه نبود، فیلم نمی‌توانست موفقیت نسبی فعلی را به دست آورد. موفقیتی که مدیون قصه نیست، مدیون تحولات ریز و درشت درام‌اتیک زندگی تختی است. دیالوگ‌های متعددی از فیلم عملا روایت‌های مستند درباره تختی است که کنار هم گذاشته شده است	✓	✓	✓
قسم (محسن تنابنده)	حکم‌وقسامه	اجتماعی	نقد یک حکم فقهی درباره قصاص	یاری به هر جهت و سست عنصر	زن در چالش با خیانت مرد و از هم گسیخته	×	قسم بیشتر به نمایشنامه رادیویی شبیه است. بازی‌های فرمی و به رخ کشیدن‌های تکنیکی هیچ یاری از روایت را به دوش نمی‌کشد و تقریبا تمام داستان را از زبان بازیگران به صورت کاملا بیانیه‌ای و خبری می‌شنویم و فیلمساز کوچک‌ترین تلاشی برای تصویری کردن روایتش نمی‌کند	✓	×	✓
قصر شیرین (رضا میرکریمی)	خانواده	خانوادگی	×	×	تلاشی برای حفظ خانواده	×	فیلم از دقایق پایانی تازه شروع می‌شود. برای تحولی که قرار است در ۳ دقیقه پایانی اتفاق بیفتد، شاهد ۹۰ دقیقه ماجرای اضافی و سکانس‌های به هم چسبیده هستیم	✓	✓	✓
ماجرای نیمروز ۲: رد خون (محمدحسین مهدویان)	عملیات مرصاد	اکشن/ تاریخی- سیاسی	نمایش عملیات ترور بستی منافقین در سال ۶۷ و نحوه مقابله با آنها	درگیر جنگ	درگیر با تعلق‌های فکری و انتخاب‌های اعضا	×	برقراری نسبت‌های متعدد خانوادگی میان شخصیت‌ها به تقلیل تعلق‌های داستانی منجر شده. گره‌گشایی‌های فیلم عمدتا نه از طی کردن یک پروسه منطقی که با منطق نسبتا شهودی و کاشف‌گونه صادق (جواد عزتی) اتفاق می‌افتد. نیمه‌تمام ماندن عمده خرده‌روایت‌های داستانی و عواملی از این دست باعث شده فضای داستانی فیلم نمره قابل قبولی را به نسبت کیفیت باقی بخش‌های اثر کسب نکند	×	✓	✓
متری شیش و نیم (سعید روستایی)	معضل مواد مخدر	اجتماعی	نقد ساختاری مساله اعتیاد (فقر، بزه می آورد)	اغراق شده (نگاهی حداکثرگرایانه به مساله اعتیاد)	منفعل و خنثی در ابزار عواطف- بی‌عاطفه و خشک	✓	فیلم در دوساعت و بیست دقیقه، خسته‌کننده نیست. اگرچه کنش‌هایی که در فیلمنامه قید شده در کنار موضوع فیلم و همچنین بازی خوب بازیگر تقش پلیس مواد مخدر (معادی) و سرعت اتفاقات همه به قصه اصلی و پیشرفت آن کمک می‌کند، از جایی به بعد غلبه کردن وجه پلیسی فیلم باعث می‌شود، منتظر یک پایان‌بندی خبره‌کننده‌تر باشیم اما این اتفاق نمی‌افتد	✓	✓	✓
مردی بدون سایه (علیرضا رئیسیان)	شکاکیت و قضاوت	ملودرام	اشاره به مساله تحریم‌ها	غیر قابل اعتماد	فروپاشیده	×	فیلم اقتباسی آزاد از «زن پارسا» عطار بود اما چه اقتباس بد و کسل‌کننده‌ای. اگر یک نفر همه آن داستان را مونولوگ می‌کرد احتمالا جذاب‌تر از فیلم بی‌حس و قصه علیرضا رئیسیان می‌شد	✓	×	✓
مسخرباز (همایون غنی‌زاده)	عشق به سینما	سوررئال	نقد جامعه‌ای که از آن به «خواب زده» تعبیر می‌شود	خواب‌زده و آشفته	اشاره خاصی به خانواده ندارد	×	فیلم قصه گفتن را پیش پای ادعاهای فرمی که به شکلی افراطی در کار دیده می‌شود، ذبح کرده است. ادای دین به تاریخ سینما اگر چه پیش از «مسخرباز» در صدها فیلم دیگر با رجاع به فیلم‌های مطرح تاریخ سینما اتفاق افتاده و اتفاقا با هراسی مخاطب نیز همراه شده اما «مسخرباز» بشدت ضد قصه و مخاطب و بی‌منطق است	×	×	✓
ناگهان درخت (صفی یزدانیان)	جامعه‌گریزی	سوررئال	مهاجرت در سال‌های اول انقلاب	دوگانه خشونت و نوستالژی	حضور پررنگ مادر	✓	جمع‌گریزی و ضدیت با اجتماع، ناقص روایت می‌شود	×	×	×
جان‌دار (حسین امیری‌ده‌ماری و بدرام پورامیری)	قصاص	اجتماعی	×	نزاع و درگیری	نمایش مادری بد و غیر واقعی و خانواده‌های منفعل در تصمیم‌گیری	✓	حتی داستان تکراری‌اش را هم درست تعریف نمی‌کند و دنبال بحران‌های ساختگی و الکی می‌گردد و تا به بحران اصلی می‌رسد که قرار است داستان را پیش ببرد، انگار وقت فیلم تمام شده و فیلم بدون پایان و جمع‌بندی رها می‌شود	×	✓	✓
حمال طلا (تورج اصلانی)	اقتصاد ناپاک	اجتماعی	نابسامانی‌های بازار ارز و سکه و...	غیر قابل اصلاح و از هم گسیخته	فروپاشیده	×	۲ کارگر در میان انبوهی از فاضلاب انسانی، ایده‌ای که در ۹۰ دقیقه، فراتر از همان ایده نمی‌رود و رویدادها و خرده‌داستان‌ها کمکی به پیشرفت قصه نمی‌کند. زمانی که ایده اولیه فیلم یعنی پیدا کردن الماس به پایان می‌رسد، فیلم تمام می‌شود اما ایده دیگری اضافه می‌شود که آن هم ضد فیلم است	✓	×	✓
دیدن این فیلم جرم است! (رضا زهتابچیان)	چالش آزمانگرایی	سیاسی	نقد آقازادگی، فساد و...	منفعل، امنیتی و رو به فروپاشی	منسجم	×	در فیلم با یک‌جامعه ناامن مواجهیم. شهری که یک تبعه انگلیس از آزادی کامل برای آزار زن ایرانی برخوردار است. تصویر دیگری در همان ابتدا، شهری امنیتی را صریح‌تر به تصویر می‌کشد و آن حضور پر تعداد گشت‌های بسیج است. سپس در پایگاه بسیج به شکلی عمومی‌تر یک جامعه رو به فروپاشی را می‌بینیم. فیلم در ادامه قرار است پاسخی به این تصویر بدهد که موفق نیست	✓	✓	✓
روزهای نارنجی (آرش لاهوتی)	چالش‌های اشتغال زنان	اجتماعی	فقر و بیکاری	غیرقابل اتکا و اعتماد	منفعل	×	زنی قرار است پروژه چیدن میوه‌های یک باغ بزرگ پرتقال را با موفقیت انجام دهد. از ابتدا تا انتهای فیلم درگیر این مساله هستیم که این اتفاق می‌افتد یا خیر؟ تعلیقی که قرار است ادامه روایت را برای مخاطب قابل تحمل کند کجا نهفته شده بود؟	✓	✓	×
زهر مار (سیدجواد رضویان)	اخلاقی	کمدی‌اجتماعی	فقر و فساد اجتماعی	از هم گسیخته و فساد زده	سطحی	✓	فیلم از آنجایی که در میانه دو ژانر ایستاده و تکلیفش با خودش معلوم نیست، از قصه‌گویی نیز عاجز است. فیلم کمدی است یا اجتماعی؟ به نظر می‌رسد اگر عوامل فیلم در ابتدا از پس پاسخ این سوال برمی‌آمدند، قصه‌گویی اینقدر آشفته نبود. فیلم تنها در عجولانه‌ای داشته و همین آشفتگی روایت را بیشتر کرده است	✓	✓	✓
سوتامی (میلاد صدرعاملی)	رقابت ورزشی	ورزشی	ورزش باتوان و...	متاثر از شبکه‌های اجتماعی	غیر قابل اتکا	✓	فیلم داستان نیم‌بندش را نسبتا خوب تعریف می‌کند اما برای یک فیلم سینمایی به بیش از آن چیزی که در سوتامی شاهدش بودیم نیاز به داستان و خرده‌پیرنگ داریم سوتامی ضعف روایتش را با جذابیت سوژه‌اش جبران می‌کند	✓	✓	✓
معکوس (پولاد کیمیایی)	معضل اقتصادی	اکشن	نقد طبقه خاص سیاسی و اجتماعی	غیر قابل اتکا	فروپاشیده	✓	قصه‌گویی، معکوس روایت مرسوم و متداول است. چرا که اساسا معلوم نیست قصه چیست؟ دعوا بر سر چیست؟ و به عبارت سینمایی‌تر «یک خطی» فیلم چیست؟ دیالوگ‌های بی‌ربط که کپی‌های ناقص الخلقه و بشدت ضعیفی از دیالوگ‌نویسی‌های کیمیایی پدر هستند	✓	✓	✓
بلدا (مسعود بخشی)	قصاص	اجتماعی	هجو برنامه‌های تلویزیونی	تصنعی و ساختگی	فروپاشیده	✓	تبدیل شدن یک سوژه به ظاهر اجتماعی به یک کمدی ناخواسته به خاطر داستانگویی غیرقابل باور و روایتی تصنعی. ساخت داستان اشکال جدی دارد ضعف در این بخش هم عمدتا به خاطر نشناختن مسائل حقوقی و اطلاع کم از فضای برنامه‌سازی در تلویزیون است	✓	×	✓